



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاي تهران - 30 مهر / 1381

بسم الله الرحمن الرحيم

جشن میلاد حضرت مهدی؛ درس گرفتن از یک خاطره تاریخی

به همه برادران و خواهران عزیز خوشامد عرض می‌کنم؛ بخصوص عزیزانی که از شهرهای دوردست تشریف آورده‌اند. همچنین به همه شما حضار محترم این عید سعید و میلاد بزرگ را تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم همه ساعات عمر و تلاش و فعالیت شما، مشمول لطف و نظر محبت آمیز آن بزرگوار باشد.

جشن میلاد حضرت حجت عجل الله فرجه وارواحنا فداه برای عموم شیعیان، بلکه همه عدالتخواهان عالم، یک عید بزرگ است؛ لذا مردم ما در این جشن با همه وجود و با دل و جان، محبت و ارادت خود را به آستان حضرت بقیة الله ارواحنا فداه ابراز می‌کنند. آنچه برای ما به عنوان دوستداران و معتقدان به امامت و ولایت حضرت مهدی سلام الله علیه مهم است، این است که علاوه بر اظهار ارادت و شادی، از این خاطره تاریخی، یا از این اعتقاد شیعی درس بگیریم.

اعتقاد به ظهور حضرت مهدی، مخصوص شیعه نیست

البته اعتقاد به ظهور مهدی در دورانی از تاریخ، مخصوص شیعه نیست؛ همه مسلمانان، اعم از شیعه و سنی به این معنا معتقدند؛ بلکه غیرمسلمانان هم به یک صورت معتقدند. منتها امتیاز شیعه در این است که این شخصیت نجاتبخش بشریت را با نام و نشان و خصوصیات می‌شناسد و معتقد است او همواره برای دریافت دستور الهی، حاضر و آماده است. هر وقت پروردگار عالم به او دستور دهد، او آماده شروع آن کار عظیمی است که بناست بشریت تاریخ را متحول کند. آنچه ما به عنوان یک درس و تعلیم معرفتی و عملی از این قضیه باید بگیریم، مهم است. عدالت؛ برجسته ترین شعار مهدویت

شما برادران و خواهران توجه دارید که برجسته ترین شعار مهدویت عبارت است از عدالت. مثلاً در دعای ندبه وقتی شروع به بیان و شمارش صفات آن بزرگوار می‌کنیم، بعد از نسبت او به پدران بزرگوار و خاندان مطهرش، اولین جمله ای که ذکر می‌کنیم، این است: «این المعدّ لقطع دابر الظلمه، این المنتظر لاقامة الامت و العوج، این المرتجی لأزالة الجور و العدوان»؛ یعنی دل بشریت می‌تپد تا آن نجاتبخش بیاید و ستم را ریشه کن کند؛ بنای ظلم را - که در تاریخ بشر، از زمانهای گذشته همواره وجود داشته و امروز هم با شدت وجود دارد - ویران کند و ستمگران را سر جایی خود بنشانند. این اولین درخواست منتظران مهدی موعود از ظهور آن بزرگوار است. یا در زیارت آل یاسین وقتی خصوصیات آن بزرگوار را ذکر می‌کنید، یکی از برجسته ترین آنها این است که «الذي يملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً». انتظار این است که او همه عالم - نه یک نقطه - را سرشار از عدالت کند و قسط را در همه جا مستقر نماید. در روایاتی هم که درباره آن بزرگوار هست، همین معنا وجود دارد. بنابراین انتظار منتظران مهدی موعود، در درجه اول، انتظار استقرار عدالت است.

درد بزرگ بشریت؛ فقدان عدالت

درد بزرگ بشریت، امروز همین مسأله فقدان عدالت است. همیشه دستگامهای ظلم و جور در سطح دنیا به شکلهای مختلف بر مردم جفا کرده اند؛ بشریت را زیر فشار قرار داده اند و انسانها را از حقوق طبیعی خود محروم کرده اند؛ اما امروز این معنا از همیشه تاریخ بیشتر است و رفع این را انسان از ظهور مهدی موعود می‌طلبد و انتظار می‌برد. بنابراین، مسأله، مسأله طلب عدالت است.



نابودی بنای ظلم، حتمی است

اولین درس عملی از این موضوع این است که نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است. این، مطلب بسیار مهمی است که نسلهای بشری امروز معتقد نباشند که در مقابل ظلم جهانی، نمی شود کاری کرد. امروز وقتی ما با نخبگان سیاسی دنیا از ظلمهای مراکز قدرت بین المللی و سیستم جهانی ظلم - که امروز به سرکردگی استکبار در همه دنیا وجود دارد - صحبت می کنیم، می بینیم آنها می گویند بله ؛ چیزی که شما می گویند، درست است ؛ واقعاً ظلم می کنند ؛ اما کاری نمی شود کرد! یعنی مجموعه بزرگی از نخبگان که سررشته کار در دنیا در دست آنهاست، اسیر یأس و ناامیدی اند و این یأس و ناامیدی را به ملت‌های خود سرریز می کنند و آنها را از این که بتوان نقشه ظالمانه و شیطانی امروز دنیا را عوض کرد، مأیوس می کنند. بدیهی است که انسان‌های مأیوس نمی توانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام دهند. آن چیزی که انسانها را وادار به کار و حرکت می کند، نور و نیروی امید است. اعتقاد به مهدی موعود، دل‌ها را سرشار از نور امید می کند. برای ما که معتقد به آینده حتمی ظهور مهدی موعود علیه السلام هستیم، این یأسی که گریبانگیر بسیاری از نخبگان دنیاست، بی معناست. ما می گوئیم نخیر، می شود نقشه ی سیاسی دنیا را عوض کرد ؛ می شود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکانپذیر است، بلکه حتمی است. وقتی ملتی معتقد است نقشه ظالمانه و شیطانی امروز در کلّ عالم قابل تغییر است، آن ملت شجاعت می یابد و احساس می کند دست تقدیر، تسلط ستمگران را برای همیشه به طور مسلم نوشته است.

امام خمینی یأس را از دل‌ها پاک کرد

انسانها می توانند تلاش کنند و پرچم عدالت را - ولو در یک نقطه محدود - بلند کنند. شما ببینید ملت‌هایی که امروز در گوشه و کنار عالم زیر فشار ظلم و ستم زندگی می کنند، اگر این امید را در دل خود بپروراندند که می شود با ظلم مبارزه کرد، چه اتفاقی در دنیا می افتد و چطور ملتها بیدار می شوند! یک روز ملت ایران هم در پنجه اقتدار رژیم طاغوتی دچار همین یأس بود ؛ ولی امام بزرگوار ما با تعالیم اسلامی، این یأس را از دل‌ها پاک کرد و به مردم امید و شجاعت داد. نتیجه این شد که این مردم به پا خاستند، نهضت کردند، تن به سختی دادند، مبارزه کردند، از جان خود دریغ نکردند و توانستند در این نقطه از عالم، با عوامل ظلم و نظام ظالمانه و شیطانی مبارزه و آن را ریشه کن و سرنگون کنند.

نظم ظالمانه جهانی، ابدی نیست

امروز دستگاه‌های تبلیغاتی مراکز استکباری دنیا و روشنفکران وابسته به آنها، در سطح عالم این طور تبلیغ می کنند که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانه کنونی ممکن نیست. با فکر انقلاب و آرمانگرایی مبارزه می کنند و می خواهند ملتها را متقاعد کنند که به همین وضعیت کنونی ظالمانه دنیا بسازند و در مقابل آن هیچ عکس‌العملی نشان ندهند. فکر اعتقاد به مهدی، نقطه مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است. جوانان و روشنفکران و عموم ملت ما با اعتقاد به ظهور مهدی علیه الصلاة والسلام این اعتقاد راسخ را در دل خود پرورش می دهند که نظم ظالمانه جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست ؛ می شود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد.

عدالت با موعظه و نصیحت به دست نمی آید

درس دیگری که اعتقاد به مهدویت و جشن‌های نیمه شعبان باید به ما بدهد، این است: عدالتی که ما در انتظار آن هستیم - عدالت حضرت مهدی علیه السلام که مربوط به سطح جهان است - با موعظه و نصیحت به دست نمی آید ؛ یعنی مهدی موعود ملتها نمی آید ستمگران عالم را نصیحت کند که ظلم و زیاده طلبی و سلطه گری و استثمار نکنند. با زبان نصیحت، عدالت در هیچ نقطه عالم مستقر نمی شود. استقرار عدالت، چه در سطح جهانی - آن طور که آن وارث انبیا انجام خواهد داد - و چه در همه بخش‌های دنیا، احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسان‌های صالح



و عدالت طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند. با کسانی که سرمست قدرت ظالمانه هستند، نمی شود با زبان نصیحت حرف زد؛ با آنها باید با زبان اقتدار صحبت کرد. آغاز دعوت پیغمبران الهی با زبان نصیحت است؛ اما بعد از آن که توانستند طرفداران خود را گرد آورند و تجهیز کنند، آن گاه با دشمنان توحید و دشمنان بشریت، با زبان قدرت حرف می زدند. طرفداران عدالت باید خود را به قدرت مجهز کنند.

شما ببینید در همین آیه کریمه قرآن که راجع به قسط صحبت می کند و می گوید خدای متعال همه پیغمبران را فرستاد، «لیقوم الناس بالقسط»؛ برای این که قسط و عدالت را در جامعه مستقر کنند، بلافاصله می فرماید: «و انزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس»؛ یعنی پیغمبران علاوه بر این که با زبان دعوت سخن می گویند، با بازوان و سرپنجان قدرتی که مجهز به سلاح هستند و با زورگویان و قدرت طلبان فاسد، معارضه و مبارزه می کنند. پیغمبر اکرم وقتی به مدینه آمد و نظام اسلامی را تشکیل داد، آیات قرآن را بر مردم می خواند، به گوش دشمنان هم می رسانید؛ اما به این اکتفا نمی کرد. کسانی که طرفدار عدالت هستند، در مقابل زورگویان و زیاده طلبان و متجاوزان به حقوق انسانها باید خود را به قدرت مجهز کنند. لذا شما می بینید از روزی که نظام اسلامی به وجود آمد - یعنی اسلام مجهز به قدرت یک ملت بزرگ و امکانات یک کشور و دولت بزرگ شد - دشمنان اسلام حرکت را جدی گرفتند و علاقه مندان و طرفداران اسلام هم در اطراف و اکناف عالم امیدوار شدند. بسیاری از پیغمبران در میدان مبارزه و جهاد مقدس و قتال قدم می گذاشتند: «و کأین من نبي قاتل معه ربيون كثير». و همه استکبار از تشکیل نظام اسلامی

کسانی که خیال می کنند اسلام باید برود و در گوشه ای بنشیند و مردان اسلام و دین فقط زبان نصیحت را به کار گیرند، اینها دانسته یا ندانسته همان چیزی را می گویند که مراکز قدرت جهانی آن را می خواهند و آرزو می کنند. مراکز قدرت استکباری از این که رهبران اسلامی در گوشه ای از دنیا بنشینند و گاهی پیامی بدهند و یک کلمه حرفی بزنند - همچنان که رهبران مسیحی در هر قضیه ای پیامی می دهند، نصیحتی می کنند و جمله ای می گویند - هیچ ترسی ندارند؛ می دانند این خطری برای آنها نیست. از این که ملتهای مسلمان بیدار شوند و تشکیل حکومت دهند؛ از این که ایمان اسلامی آحاد مردم در قالب یک نظام و یک دولت و یک حکومت تجسم پیدا کند، و همه دارند و می ترسند. نظام اسلامی و ملت مسلمان ایران و دولت جمهوری اسلامی بزرگترین قدم را در این راه برداشت و به برکت مجاهدت جوانان و مردان و زنان مؤمن و فداکار این ملت، اسلام در دنیا به عنوان یک قدرت ظاهر شد. هرچه این قدرت بتواند خود را مستقرتر و پایدارتر کند، نظم ظالمانه و شیطانی دنیا بیشتر تهدید می شود. قدرت اسلامی، جلو ظلم و فساد را می گیرد

بعضیها بی توجه، از جدایی دین و سیاست حرف می زنند؛ یعنی دین را به گوشه های خلوت برانند و انسان دیندار، فقط به نصیحت اکتفا کند! در این جا نصیحت نمی تواند کاری بکند. آنچه می تواند قدرتها را مهار و تهدید کند و در برابر ظلم و فساد مقاومت نماید و ریشه آن را بکند یا آن را متزلزل سازد، قدرت الهی و اسلامی است؛ قدرت سیاسی ای است که در اختیار احکام اسلامی باشد. امام زمان ارواحنفاذ با اقتدار و قدرت و تکیه بر توانایی ای که ایمان والای خود او و ایمان پیروان و دوستانش، او را مجهز به آن قدرت کرده است، گریبان ستمگران عالم را می گیرد و کاخهای ستم را ویران می کند.

سربازی امام زمان، کار آسانی نیست

درس دیگر اعتقاد به مهدویت و جشنهای نیمه شعبان برای من و شما این است که هر چند اعتقاد به حضرت مهدی ارواحنفاذ یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسأله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد - یعنی به عنوان یک آرزو در دل، یا حداکثر در زبان، یا به صورت جشن - نه، این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل



بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان آماده کنیم. سربازی امام زمان، کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد. عده ای این اعتقاد را وسیله ای برای تخدیر خود یا دیگران قرار می دهند؛ این غلط است. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه ای نداریم؛ نه، بعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. شنیده اید، در گذشته کسانی که منتظر بودند، سلاح خود را همیشه همراه داشتند. این یک عمل نمادین است و بدین معناست که انسان از لحاظ علمی و فکری و عملی باید خود را بسازد و در میدانهای فعالیت و مبارزه، آماده به کار باشد.

اعتقاد به امام زمان، به معنای گوشه گیری نیست
اعتقاد به امام زمان به معنای گوشه گیری نیست. جریانهای انحرافی قبل از انقلاب تبلیغ می کردند، الان هم در گوشه و کنار تبلیغ می کنند که امام زمان می آید و اوضاع را درست می کند؛ ما امروز دیگر چه کار کنیم! چه لزومی دارد ما حرکتی بکنیم! این مثل آن است که در شب تاریک، انسان چراغ روشن نکند؛ چون فردا بناست خورشید عالمتاب بیاید و روز شود و همه دنیا را روشن کند. خورشید فردا، ربطی به وضع کنونی من و شما ندارد. امروز اگر ما می بینیم در هر نقطه دنیا ظلم و بی عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم. منتظران امام زمان باید صالح باشند

بزرگترین وظیفه منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. کسانی که در دوران دفاع مقدس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدس شرکت می کردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده دفاع از ارزشها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته اسلام است، می تواند ادعا کند که اگر امام زمان بیاید، پشت سر آن حضرت در میدانهای خطر قدم خواهد گذاشت. اما کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را می بازند و زانوانشان سست می شود؛ کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آنها را به خطر می اندازد، انجام دهند؛ اینها چطور می توانند منتظر امام زمان به حساب آیند؟ کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه های صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد.

حکومت حضرت مهدی، یک حکومت مردمی

درس مهم دیگری که وجود دارد، این است که حکومت آینده حضرت مهدی موعود ارواحنا فدا، یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی متکی به ایمانها و اراده ها و بازوان مردم است. امام زمان، تنها دنیا را پر از عدل و داد نمی کند؛ امام زمان از احاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می بخشد و یک حکومت صد درصد مردمی تشکیل می دهد؛ اما این حکومت مردمی با حکومتهای مدعی مردمی بودن و دموکراسی در دنیای امروز از زمین تا آسمان تفاوت دارد. آنچه امروز در دنیا اسم دموکراسی و مردم سالاری را روی آن گذاشته اند، همان دیکتاتوریهایی قدیمی است که لباس جدید بر تن کرده است؛ یعنی دیکتاتوری گروهها. اگر رقابت هم وجود دارد، رقابت بین گروههاست و مردم در این میان هیچکاره اند. یک گروه به قدرت دست پیدا می کند و در سایه قدرت سیاسی ای که همه زمامهای امور را در کشور در اختیار او می گذارد و با سوءاستفاده از این قدرت، ثروت و پول و سرمایه به نفع خود گردآوری می کند و آنها را در راه به دست آوردن دوباره قدرت مصرف می کند. دموکراسیهای امروز دنیا بر پایه تبلیغات دروغ و فریبنده و مسحور کردن چشمها و دلهاست. امروز در دنیا



هرجا شعار ديمقراسي مي دهند، شما ببينيد براي تبليغات كانديداهاي رياست جمهوري و يا نمايندگان مجلس چه كار مي كنند! پول خرج مي كنند. ديمقراسي در پنجه اقتدار پول اسير است. مردم سالاري امام زمان - يعني مردم سالاري ديني - با اين روش، به كلي متفاوت است.

پول در خدمت قدرت و قدرت در خدمت پول

اين كه بنده تأكيد مي كنم بايد مراقب سوءاستفاده هاي مالي در دستگاههاي قدرت وابسته به حكومت بود، به خاطر اين است. زيان بزرگ فساد اقتصادي در دستگاههاي دولتي اين است كه پول را در خدمت قدرت و قدرت را در خدمت پول به كار مي گيرد و دور باطلي به وجود مي آيد. از قدرت و داشتن مسؤليت و مديريت در بخشهاي مختلف براي جمع آوري ثروت و پول سوءاستفاده شود؛ بعد همان پول مجدداً در خدمت خريدن آراء رأي دهندگان قرار گيرد؛ حالا يا خريدن آشكار - كه در خيلي جاها در دنيا معمول است پول بدهند - يا خريدن پنهان با شيوه هاي گوناگون؛ يعني با خرج كردن هاي گوناگون، جلب محبوبيت كنند. وقتي با تبليغات فريبنده پُرخرج، آراء مردم را به سمت خود جلب كنند، اين مردم سالاري و دخالت مردم در امور نيست؛ رأي مردم در اين جا بازيچه شده است. در نظام اسلامي كه مظهر كامل آن، حكومت حضرت بقيه الله ارواحنا فداه است، فريب و حيله گري براي جلب آراء مردم، خودش جرم است؛ استفاده از قدرت براي به دست آوردن پول، يكي از بزرگترين جرائم است. آن جا ياران حضرت مهدي موفند در سطوح پايين زندگي كنند. نظام اسلامي ما پرتو كوچكي از آن حقيقت درخشان است. ما هرگز اين ادعا را نكرديم و نمي كنيم؛ اما بايد نشانه اي از او داشته باشيم.

جمع آوري ثروت با استفاده از مسؤليت؛ يك گناه

در نظام اسلامي، مراكز قدرت و كساني كه دستگاههاي مختلف و مديريتها و امضاءها را در اختيار دارند، بايد به جمع ثروت شخصي براي خود، به عنوان يك گناه نگاه كنند. اگر اين طور شد، آن گاه دستها و دامنها پاك خواهد ماند؛ والا اگر مسؤولي كه فلان تجارت خارجي و فلان مناقصه بزرگ در اختيار اوست؛ فلان پروژه مهم و پُرخرج زير امضاي اوست و فلان صندوق پول زير كليد اوست، به خودش اجازه دهد براي منافع شخصي و جمع آوري ثروت براي خود يا نزديكانش، از اين امكان - كه متعلق به كشور و مردم است - استفاده كند، همان چيزي اتفاق خواهد افتاد كه در كشورهاي دچار سيستمهاي ظالمانه در گذشته و امروز در دنيا اتفاق افتاده است؛ يعني ثروت در يك نقطه متمرکز خواهد شد و جمع كثيري دچار محروميت و فقر خواهند گرديد. اين تبعيض است؛ اين چيزي است كه اسلام براي مبارزه با آن آمده است. ما هم كه مدعي اسلام هستيم، بايد با آن مبارزه كنيم.

اين كه اميرالمؤمنين عليه السلام مي فرمايد: «ما رأيت نعمة موفورة الا و في جانبها حق مضيع»؛ يعني هرجا شماديد ثروت انباشته اي به وجود آمده، بدانيد در كنارش حقوق ضايع شده فراواني وجود دارد؛ مظهر اصلي و مصداق عمده اش همين است كه كارگزاران و مسؤولان حكومت، با استفاده از نفوذ و قدرت، راحت بتوانند از امكانات عمومي استفاده كنند؛ بانكها راحت وام بدهند؛ مراكز گوناگون، امكان استفاده از زمين، آب، هوا، تجارت و وارد كردن و صادر كردن را در اختيار آنها بگذارند؛ ناگهان ببينيد كساني كه دستشان از مال دنيا تا اندكي پيش خالي بود، ثروتهاي گزاف پيدا کرده اند؛ ظاهر كار هم قانوني است.

قانوندانهاي قانون شکن؛ خطرناكتر از همه

من يك وقت گفتم قانوندانهاي قانون شکن، خطرناكتر از همه اند؛ كساني كه قانون را خوب بلدند، پيچ و خمها و دالانهاي تودرتوي قانون را خوب مي شناسند، اما خودشان قانون شکنند؛ بدون اين كه معلوم شود كارشان قانون شکني است. اگر خدائي نكرده چنين چيزي براي ملت ما رواج پيدا كند، يك فاجعه است. اين چيزي است كه با نظام اسلامي و با انتظار مهدي موعود كاملاً منافات دارد. اين حدي است كه من از مسؤولان خواسته ام.

مبارزه با فساد در دستگاههاي دولتي



به مسؤولان بارها گفته ام، تأکید هم کرده ام، باز هم می گویم و پای این مطلب ایستاده ام: باید با فساد در دستگاههای دولتی و دیگر دستگاههای حکومتی مبارزه شود. متعهد این مبارزه، خود مسؤولان قوای مختلف هستند. در درجه اول، برای جلوگیری از فساد در دولت، خود مسؤولان دولتی، خود وزرا و خود مدیران ارشد مسؤولند. نگذارند در مجموعه های آنها فساد به وجود آید. اگر آنها بخواهند مبارزه کنند و اگر این مبارزه را جدی بگیرند، بهتر از هر کس خواهند توانست مبارزه کنند. البته باید حواسشان جمع باشد که دامنه های خود را پاکیزه نگهدارند.

این را همه بدانند: کسی که خودش آلوده به فساد باشد، قادر نخواهد بود با فساد مبارزه کند. خود مسؤولان باید با هشیاری و دقت، با این پدیده مبارزه کنند. اگر خدای نکرده مدیران در مقابله با فساد در دستگاههای خود کوتاه بیایند، ناگزیر باید قوه قضاییه وارد میدان شود. دستگاه قضایی هم باید بی اغماض و بدون ملاحظه، هر جا فساد و یا عملی را برخلاف قانون و در جهت سوءاستفاده ملاحظه کرد، با آن مقابله کند.

عدالت؛ نیاز عمده امروز کشور

برادران و خواهران عزیز! نیاز عمده امروز کشور ما عدالت است. مردم از تبعیض رنج می برند. مسؤولان کشور - که بحمدالله مسؤولان ارشد کشور مؤمن و پاکیزه اند - اگر می خواهند آنچه را که نیاز حقیقی مردم است، اعمال کنند، باید به عدالت بیندیشند. اگر فکر و انگیزه عدالت در دلها زنده باشد، آن گاه فرصت، کار و توفیق برای بازکردن گره ها یکی یکی به وجود خواهد آمد؛ بیکاری و مسائل اقتصادی و مشکلات گوناگونی که در زمینه های فرهنگی وجود دارد، حل می شود و رشد علم در دستگاههای علمی و در دانشگاهها ممکن خواهد شد.

ملت عزیز ما با ایمان ناب و پاک که دارد و با اعتمادی که به نظام اسلامی در سرتاسر وجود او بحمدالله موجود است، خواهد توانست در مقابل تهدیدهای جهانی همچنان با استقامت و سرافرازی و با قدرت و شهامت بایستد و متجاوزان سلطه طلب و سیطره طلب جهانی را از نزدیک شدن به مرزها و حریم این ملت برحذر دارد.

پروردگارا! ملت ما را سرافراز کن؛ جوانان ما را حفظ کن؛ دلهای همه ملت ما را به نور معرفت خود نورانی کن.

پروردگارا! قدرت این ملت را روزبه روز بیشتر کن؛ قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی کن؛ همه ما را شایسته

سربازی آن بزرگوار قرار بده و روح مطهر امام خمینی و شهدای بزرگوار را با اولیای محشور فرما.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته